

# بخیر باختر

قیمت اشتراك سالیانه ۳۰ دالراست بتوسط مخفل مقدس روحانی طهران یا یکسر با اداره ارسال دارند

این جریده در هر ماه بهائی یکبار منتشر میشود و در مسائل متعلقه باین امر اعظم که مرقآت ترقیات مادی و معنوی نوع بشر و کفانه وسیله انتظام و الهیانه عالم است سخن میراند و مقالات مفیده که موافق این مقصد است قبول خواهد شد

شماره ۱۷ جلد ۱۲ - شماره ۱۲ - شماره ۱۹۲۲ - شماره ۱۷ - شماره ۱۲

## شرح کیفیت صعود مپال حضرت عبداللہ

بموردیست درمان بمریخی و آه از این دردی درمان و ریخی و آه  
شمة بادل پخون و قلب پرسوز و ادمع چون جیون از واقعه فاجعه مؤله با قلب  
آتش زده و ارواح ملتهبه چون کانون نیران بعرض میرسانم

یا لیتا کنا فی العدم قبل صعودك یا مولی العالم آه آه

من هذه المصیبة العظیمة والرزية الكبرى فی الحقیقه با این حال پر لال قلب محزون قلم  
نیز بار الی غیر کند که بذکر این نصیب مشغول کردم ولی علی قدر امکان با حال پریشان

معروض میگردد . یوم جمعه ۲۵ نومبر ۱۹۲۱ ساعه یازده و نیم

قبل از ظهر حضرت مولی الوری عبداللہ تشریف فرمای جامع شدند و بعد از آواز

نماز مراجعت فرمودند و نماز صرف شد قدری استراحت فرمودند عصر آن روز اجابا

شرفیاب شدند شب را نیز کافی السابق در بیت مبارک مجلس نیز برپا و باران حاضر و شرف

حضرت مولی الوری در کمال سرور بیاناتی میفرمودند و در ضمن فرمودند امشب شب زکات

آقا حاضر است . هیچ اثر تب و ضعف در هیچکس مبارک نبود اجابا حضرت

۲  
 فردایان روز که روز شنبه است صباحاً جمعی از یاران بشرف لقا ننگشتند عصر آن روز  
 هیکل مبارک از اوطاق بیرون تشریف یا آوردند زیرا تب خفیفی بعنصر وجود مبارک ظاهر  
 شده بود و بتدریج بدرجه ۱۰۰ رسید حکیم آمد و سوزن زد و درجه تب به ۷۷ تنزل  
 نمود صبح یکشنبه تب بکلی زایل گشت ولی ضعف باقی عصر آن روز را که شب ششم قوی بوده  
 یکی از اجبا آقا رستم اردشیر تقی بمنابت شرافت یوم بعد که روز دوشنبه که ششم قوی باشد  
 اجباراً از مسافرت و مجاورین در مقام اعلی ضیافت نمود بچای و میوه و شیرینی . ولی جای  
 تأسف بود که یاران بشرف لقا ننگشتند پس از ختم مجلس و زیارت مرقد مطهر حضرت  
 نقطه اولی دوستان عموماً به بیت مبارک عازم و روانه شدند و در آن هنگام دو نفر از این  
 شهر و دو نفر از دوستان شرفیاب لقا بودند پس از آن مجلس برپا و یاران مجتمع جناب روحانی  
 افغان مجتهد مبارک شرفیاب شده عرض نمود امروز در مقام اعلی مجلسی خواهد بود ولی بی  
 وجود مبارک صفائی نداشت فرمودند اگر چه من حاضر نیوم ولی روح من در آنجا بود  
 بعد روحی آفندی مجلس آمده و شکرده همت و بهبودی وجود مبارک را آورد اجناسرت  
 و شکر لایحی و چهره کشتود پس از ختم مجلس یاران بنهایت روح و ریغان بمنازل خود  
 عودت نمودند آن شب حضرت مولی الوری دو ساعه ساعت استراحت فرمودند  
 بعد از نیمه شب ساعت یک فرنگی حضرت خانم را احضار فرمودند فرمودند من عرض  
 کردم . حضرت خانم مشغول شدند بمحافظه وجود مبارک از سرما بعد  
 روحی له الفداء فرمودند خانم حال من تغییر کرده . فی الفور دکتر کروک امریکائی  
 و دکترهای دیگر را خبر دادند دکتر کروک مشرف شد بعد دفعتاً قلب مبارک که  
 خاک پناه بر سر عالمیان شد ساعت یک و نیم بعد از نیمه شب بود که صعود  
 بمکوت لاهی فرمودند در باب لقا بروجه من علی لاجن مسدود شد و بعد اجناسرت  
 و مجاورین را عموماً خبر دادند همگی در منزل مبارک حاضر شدند و بناله و فغان هدم  
 و هراز گشتند آن شب ناله جان کداز و فغانه ها بود که بفلک اثر میرسد و محشر

عظیم جمع بیع دوشنبه بامر حضرت ورقه علیا تضرعاً با طرف محال ارسال شد باین مضمون  
 (حضرت عبدالبهاء قد صعد الی الملكوت الاعلی) الورقة العلیا  
 و آن روز از جمع تا نیمه شب جمعی زیادی از یار و اغیار و کسبه و تجار و بزرگان و مأمورین  
 حکومت از هر طائفه و لای مختلفه در ذهاب و ایاب بودند آنروز در بیت مبارک و در منزل  
 جناب آقا میرزا جلال و در مقابل بیت مبارک در میدان گاه آنقدر جمعیت و ازدحام بود  
 که اگر یک نفر میخواست عبور کند بصعوبت تمام نیز نمیتوانست و همان روز از اطراف  
 جمعی از اجبا حاضر شدند و اجتماع اجبا افزوده شد روز دوشنبه حکومت قدس حیات  
 سیر صریح مسئول که حاکم و آمر اراضی فلسطین است خبر داد که فردا حاضر خواهم شد و  
 وقت عرش مبارک را حرکت خواهند داد جواب رفت ساعت ۹ روز یکشنبه قبل از ظهر  
 روز سه شنبه از جمع زود شروع با اجتماع جمعیت گردید آنقدر ازدحام شده بود که روی  
 زمین جای پانمانده بود و خلق بعضی در روی بامها و دیوارها ایستاده بودند با حالت  
 حزن و متأثرانه تا آنکه ساعت ۹ شد حاکم قدس با اعضاء حکومت حیناً و عکاً  
 و قناصل دول خارجه و عموم محترمین شهر حاضر شدند و عرش هیکل مبارک را با حضرات  
 افانها و اجبا از بیت مبارک حرکت دادند که ناله یار و اغیار که شهر را برآزمند  
 یکی وایدا وایدا میگفت دیگری یا عبدالبهاء یا عبدالبهاء یکی بناله و این  
 همدم بود دیگری فریاد و فغان که بمان آسمان میرسد یکی مبهوت و حیران  
 و فلان ایستاده دیگری خود را بر زمین انداخته عجز عظمی بود و قیامت کبری  
 که چشم امکان ندیده و گوش نشنیده و در همین حال جمعیت حرکت کرده بسوی مقام <sup>علی</sup>  
 و چهارده صف بسته شد صف اول سربازهای حکومت و صف دوم تلامیذهای  
 میهنی بایروق یعنی کثافه صف سیم کثافه های اسلام صف چهارم نفوس  
 بتلاوت قرآن شریف مشغول صف پنجم علی و افاضل و رؤسای دین اسلام صف ششم  
 کشیها و معلمین از هر طائفه صف هفتم نیزیترین قرآن خوان صف هشتم

کافی بودند معاونت حاملین عرش می نمودند صف پنجم عرش مبارک با حاملین که از  
 طرف بالا اعیان گرفته و بعضی از باران چین فرصت مفتخر و سرفراز می شدند و لی اعیان و دیگر  
 فرصت نمیدادند که از یکدیگر بقوه و التماس می نمودند و لی از طرف پایین اجیان مفتخر و سرفراز  
 بودند صف ششم در عقب عرش مبارک حضرات ائمان و محترمین اجیان صفی با خیم  
 حکومت قدس و اعضای حکومت حینا و عکا و قناصل دول خارجه بالباسهای رسمی  
 صف هفتم نفوس محترمین از تجار شهر صف سیزدهم جماعتی از اصناف  
 کسبه صف چهاردهم از زنهای بهائیان و اسلام و نصاری و یهود  
 این جمعیت صفوف مذکوره و نفوس و جمعه متأثرانه با چشم گریان و پای پیاده حرکت  
 بسوی مقام اعلی در تشییع عرش مبارک می رفتند پس از جمعیت او توپیل ها و کالسکه ها  
 خالی در عقب جمعیت حرکت می نمودند با اندازه جمعیت و ازدحام خلق زیاد بود که در  
 حین ورود صف اول در مقابل مسافرخانه مقام اعلی تازه او توپیل ها و کالسکه ها  
 از درب بیت مبارک حرکت می نمودند و این صفوف حتی او توپیل ها و کالسکه ها  
 مثل زنجیر یکدیگر وصل و ملزوم بود **پس** پس از ورود عرش مبارک در  
 مقابل مقام اعلی در روی میزی گذاشتند و حکومت قدس و اعضای حکومت حینا و عکا  
 و محترمین شهر و حضرات ائمانها و اجیان در حول عرش مبارک مجتمع و در آن حین  
 نه نفر از اعیان اسلام و نصاری و یهود خطابه های مفصل دادند و این  
 اشخاص نفوس بیار محترم هتند که یکی از آنها مفتی شیخ الاسلام شهر است  
 و دیگری قاضی و یکی قیس و رئیس مذهب روم کاتولیکی و دیگری از اعیان ملت یهود  
 که بالسان فرانسوی خطابه بسیار موثری دادند و خطابه نیز از شخصی آخوندی  
 که از رؤسای دین اسلام است و خطابه از شیخ اسعد شقیر که از مندوبین و نمایندگان  
 مجلس دولتی اسلامبول بوده و گاه نفر از اعیان مسیحیان که با علم و فضل بودند  
 فی الحقیقه از خطابه های آنها عالم بهیمان آمد شور و وله در حالت بکا، دست داد

5

که یار و اعیان کوچک و بزرگ فقیر و غنی زن و مرد بدون اختیار چون سیلینا دموع از عیون بجای  
 و سار میزدند زیرا از احتراق قلب خطابه ها ادا میشد و همه آنها مقروءه شدند بر بزرگان  
 حضرت قبله آفاق عبد البهاء و اطهار تا سفینه نمودند ناله و فغان از خروبت خود  
 از لغای مبارک می نمودند خلاصه اگر بخواهم شرح خطابه های آنها را بیان نمایم از عهد  
 بر نیام باری انشاء الله بقدر امکان جزئی از خطابه ها مع سترقاتی که در روزنامه  
 چاپ شده در ضمن این عریضه ارسال خواهد شد که یاد آن آگاهی یابند که چه نوع قلم  
 اعیان شهادت میدهد بر بزرگوارانی این ذات مقدس که جوهر جمیع انبیاء سلف است  
 الفضل با شهودت به الأعداء تا چه رسد بپاران خلاصه پس از ادا آن خطابه ها  
 عرش طهر را نقل دادند در اوطاق وسطی در مقام اعلی که همیشه در ایام  
 مبارک روزهای یکشنبه مجلس عمومی میشد و همان روز بعضی از اجبا از اطراف یعنی  
 طبریا و نقیب و عدسیه و ابرسان و بیروت و شام و قدس و یافه وارد شدند و در  
 آن یوم جمعیت زیادی از یار و اعیان دوست و آشنا در ذهاب و ایاب بودند الی سیمه  
 شب و فردای آن روز که یوم چهارشنبه بود از صبح تا وقت سحر از محترمین اعیان از  
 شهرهای دیگر مثل بیروت و شام و قدس و عکا و حینا و غیره بعضی با اوتوبیل  
 و بعضی باره آهن آمده روز چهارشنبه اجبای مصر آمدند باری پس از صعود  
 مبارک سفره عظیمی گسترده شده که یار و اعیان دوست و آشنا فقیر و غنی از ادیان  
 و ملل و جناس مختلفه شبانه روز بر سر سفره نشستند و روزی خوار بودند  
 بدرجه سفره غلیظی بود که شبانه روز چند گوسفند ذبح میشد دیگر چه  
 حرف شود از سوزش قلوب یار و اعیان حق فقرا چنان ناله میکردند که سنگ را یکجا  
 و جگرها را بریان مینمود فقرا بیکدیگر میگفتند کی دیگر بیا رسیده گویند و احسانا ینما یدها  
 یتیم شیم بعد از این باید برویم و بعیریم این ناله ها بود که اگر بر هر سنگی بخورد آب میشد  
 باری روز سگه شب که عرش مبارک را حرکت دادند دکانه های اعیان چه از کبه

۶  
 وجه از تجار چه از اداره حکومتی وجه از مدرسه ها اسلام و نصارت و یهود بسته بود  
 و در این روزهای حزن تلخاوقات متعدده از یار و ایثار از جمیع نقاط عالم میرسد و جمیع  
 از احتراق قلب و حزن و فراق بود که اگر بخواهیم صوت آنها را بنویسیم یک کتاب میشود  
 باری روز دوشنبه و سه شنبه عکسهای متعدد با اشکال مختلفه که در حرکت  
 و سکون بوده اند چه در وقت حرکت عرش مبارک وجه در وقت آمدن و شد جمعیت  
 در مجلس تعزیه برداشته شده

با این شرح واقعه فاجعه مؤلمه و مصیبت عظمی با چشم گریان و دل بریان  
 و حال پریشان و دردی درمان چون یتیمان با مجله تمام معروض داشتیم که یار  
 با وفا و ثابتن بر عهد طلعت مبارک حضرت عبدالبهاء ارواحنا لیسه الاظهر  
 الشریف فدا را اطلاع یابند . . . .

بجزیر باختر از جناب آقا محمد حسین که ربانی نزدی نهایت محبت  
 و تشکر را در که اخبار فوق را باین دور افتاده کان را ارسال نموده  
 ذکر الأجر ضیاء